

اگر اسرائیل شکست خورده بود

مقاله استاد عبدالرحمن فرامرزی در شماره مهرماه ۱۳۴۸ موجب شد که در پیرامون ستیزه اعراب و اسرائیل بحث شود. اخیراً هم مقالاتی مفصل، هم از داخل ایران و هم از خارج ایران رسیده که هر چند با چاپ آنها اذهان عموم به حقایق آشنا تر می شود اما تصور می رود خودداری از انتشار سزاوارتر باشد. نکته جالب این است که در خلال همه این نوشته ها احساسات وطن پرستی و شاه دوستی موج می زند. از طبع مقاله استاد بزرگوار جمال زاده چشم نتوانستیم پوشید که ترجمه ای است ملایم و بی طرفانه. اما پیش بینی های روزنامه نگاران را درست نمیتوان پذیرفت.

این عنوان کتابی است که سه تن از روزنامه نویسهای امریکائی نوشته و انتشار داده اند (۱) و روزنامه یومیه منطبعه ژنوموسوم به «لاتریبون دوژنو» در شماره روز چهارشنبه ۱۸ فوریه ۱۹۷۰ (۲۹ بهمن ۱۳۴۸) خود مقاله مختصری درباره آن انتشار داده که ترجمه آن از قرار ذیل است:

«فرض کنیم که در روز پنجم ماه ژوئن سال ۱۹۶۷ میلادی طیاره های جنگی «میگ» مصری بخاک اسرائیل حمله کرده بودند و قشون ناصر کاملاً در هجوم با اسرائیل کامیابی حاصل کرده بود و در ظرف چند ساعت تمام نیروی هوائی اسرائیل که علامت ستاره داوود بر آنها نقش است منهدم گردیده بود. سه تن از روزنامه نگاران امریکائی بحکم آنکه فرض محال محال نیست چنین احتمالی را در عالم خیال و تصور فرض نموده و قدم بقدم بایک منطق محکم و ایراد ناپذیر بجلو رفته و در صدد برآمده اند که به سئوالی که عنوان این مقاله است جواب بدهند.

این سه نفر روزنامه نگار که هر سه از نویسندگان و خبرنگاران روزنامه معروف امریکائی «نیوزویک» (۲) «اخبار هفته» هستند قصدشان رمان نویسی نبوده بلکه مقصود و منظورشان این بوده است که وقایع را و حتی خردترین آن وقایع (از قبیل سرما خوردن جو نسون رئیس جمهوری سابق امریکارا در روز ششم ژوئن ۱۹۶۷) مورد تجزیه و دقت و تحلیل قرار بدهند و ببینند اگر اسرائیل شکست خورده بود و از میان می رفت عکس العمل چنین واقعه در دنیا و بخصوص در مشرق زمین از چه قرار میشد و احوال و اوضاع صحنه خاور نزدیک بچه صورت در می آمد.

نویسندگان کتاب نامبرده بدین نتیجه رسیده اند که پس از استیلای لشکر عرب بر خاک اسرائیل و شکست خوردن این کشور، کشورهای عرب خاک اسرائیل را در میان خود تقسیم می کردند یعنی لبنان قسمت مختصری را که شکل نواری دارد و از ۸ کیلومتر تجاوز می کنند بحیطه

۱- نام این سه نفر از این قرار است: ریچارد جنوف. ادوار کلاین و روبرت لیتل و کتاب

رداداره انتشارات روبرت لافون بچاپ رسیده است. «Newsweek» - ۲

تصرف خود درمی آورد. بدیهی است قسمت اعظم به مصر می رسد و ما بقی فیما بین اردن و سوریه تقسیم می شد در آن حیص و بیص کسی زیاد بفکر اهالی فلسطین و رئیس آنها شکاری که پیش از جنگ آن همه وعده باوداده بودند نمی بود و در آن گیر و دار برادران فراموش خواهند شد. یهودیهای ساکن کشور اسرائیل مجبور بودند که جلا و وطن نمایند و در اثر جنگ دهکده ها و قصبات منهدم و مزارع و محصول در زیر پای سپاهیان غالب لگد کوب می شد.

اکنون ببینیم دولت امریکا چه اقدامی خواهد کرد. دولت امریکا که تا گلو در مرداب جنگ و یتنام فرو رفته و گرفتار است ابدأ کاری از دستش ساخته نیست و با وجود تظاهرات که در واشنگتن در مقابل مجسمه لینکلن در همدردی با اسرائیل بعمل می آید کمترین قدم مؤثر نمیتواند بردارد.

آنگاه پس از آنکه اسرائیل بکلی مضمحل شد و قدرت و نفوذ ناصر در کشورهای عرب نشین تا اقصای خاک مراکش افزونی زیاد یافته است تأثیر این وقایع در تمام کره ارض محسوس خواهد گردید. سیاست روسیه شوروی در حوزه دریای مدیترانه افزایش خواهد یافت و ممالکی که قبل از جنگ مصر و اسرائیل از حمایت دولت امریکا برخوردار و در حقیقت اقبال سیاست آن کشور بودند در سیاست خود تجدید نظر خواهند کرد. آلمان و ژاپن تقاضا خواهند کرد که پایگاههای نظامی را از خاک آنها بردارند و چین در صدد نزدیکی با روسیه بر خواهد آمد و امریکا از راه اضطرار بر عملیات نظامی خود در یتنام شمالی خواهد افزود و مشاورین رئیس جمهوری امریکا یکی پس از دیگری استعفا خواهند داد و حتی خود جونسون هم سرانجام استعفا خواهد داد.

اما در خود کشور اسرائیل؛ در آنجا چند تنی که از دولت اشکول باقی مانده اند دولت جدیدی بعنوان «دولت استقامت» تشکیل خواهند داد که برای استقامت در آینده حکم هسته ای را حاصل خواهد نمود.

این کتاب که موضوع این مقاله است بیشتر بصورت خبرنگاری و راپر تاژ نوشته شده تا بصورت رمان بما میرساند که دولت امریکا ابدأ در صدد کمک و یاری به اسرائیل بر نخواهد آمد. باید دانست که پس از جنگ هم رئیس ستاد ارتش سابق اسرائیل موسوم به اسحاق رابان (۱) اظهار داشت که «اگر نخستین حمله هوایی عربها با کامیابی مقرون شده بود کار کاملاً یکطرفه میگردد و قطعی بود و اگر بعضیها از من پرسند که در این صورت امریکائیا چه میکنند جواب خواهیم داد که اگر بنا شود که سر نوشت اسرائیل بسته به امریکا باشد چنین احوالی در نظر من بغایت تفرآمیز و ناپسند است و من هرگز دلم نمیخواهد که از راه اجبار و اضطرار امید و اطمینان خود را در کمک امریکا قرار دهم.» دنیا نیز در کمال بی اعتنائی اضمحلال و انهدام یک ملت کوچکی را تماشا خواهد کرد و قدمی بر نخواهد داشت.

نویسنده این مقاله در روزنامه یومیه ژنوه لاتریبون دو ژنوه و وقتی بدین جا میرسد چنین اظهار نظر مینماید:

«آیا ما محتاج بودیم که این رمان بما بفهماند که وضع دنیا از چه قرار است. مگر قضایائی

که در خاک چکسلواکی و در تبت و در سرزمین اکراد رخ داد چشم و گوش ما را باز نکرد و برای ما کافی نبود (۱).



این بود ترجمه فارسی مقاله. چنانکه خوانندگان ملاحظه می نمایند در طی این مقاله از کشورما ایران اسمی برده نشده است و راقم این-طور نیز چون تاکنون این کتاب را ندیده است نمی داند که در آن ذکر می نیز از ایران ما بمان آمده است یا نه. من نااهل سیاست هستم و نه از رموز سوق الحبشی و «استراتژی» اطلاعی دارم ولی کسانی که با سیاست جهانی آشنائی دارند و از اوضاع و احوال کنونی دنیا باخبرند میتوانند باسانی حدس بزنند که اگر احیاناً اسرائیل در جنگ با مصر و اعراب در ماه ژوئن ۱۹۶۷ مغلوب و منکوب شده بود آیا این شکست او تأثیری می توانست در مملکت ما داشته باشد یا نه.

مجله «بغما» در این اواخر مقاله های بسیار جامع و آموزنده ای درباره کشور های عربی و اسرائیل انتشار داده است که راقم این سطور تاکنون نظایر آنرا در مطبوعات ایران ندیده بود. همه میدانیم که یهود و عرب از یک نژادند و کسانی که امروز خود را از اقصا حدود عربی مراکش گرفته تا سواحل جنوبی خلیج فارس عرب میدانند چه بسا گرچه بزبان عربی تکلم میکنند و دین و مذهبشان اسلام است ولی از لحاظ نژاد عرب نیستند و دینشان هم بادین و مذهب ما ایرانیان شیعه تفاوتی دارد چنانکه ما ایرانیان از راه نادانی تا چندی پیش سب و لعن بزرگان دینی آنها را ثواب می پنداشتیم. حرص و طمع بعضی از همسایگان دیوار بدیوار ما نیز بر کسی پوشیده نیست و با توجه باین حقایق بر این سؤال که آیا اگر اسرائیل شکست خورده بود تأثیری هم در کشورما ایران می توانست داشته باشد یا نه به تقریب می توان جواب داد.

فلاک کشور اسرائیل در حوار و در همسایگی با فاصله ایران تا اندازه ای در حکم یک در بند حایلی است و بقول فرنگیها «اتانامون» شده است یعنی میتواند در مواقع ضرورت تا اندازه ای از سرعت سیل مهاجم جلوگیری نماید. ما امیدواریم که اختلاف بین اسرائیل و ممالک عربی بخیر و صلاح هر دو طرف پایان یابد و بطوریکه نه سیخ بسوزد و نه کباب و با عدالت و انصاف و خیر خواهی و خردمندی دنیا پسند موافقت داشته باشد راه همزیستی عاقلانه را بپای بند، و از تحریک و تشویق بیگانگان در امان باشند، و دیگر برای فریب و عهد و وعید از هر ناحیه ای که فرا رسد گوش شنوا نداشته باشند، و همچنانکه وردزبان اهالی کشور سوئیس در قلب اروپاست بدانند و بگویند و تکرار نمایند که هر کس برای خود و خداوند برای همه، و با بقول ما ایرانیان «هر کسی کار خودش بار خودش» و بجای آنکه آنچه سرمایه و وقت و نیروی خود را در راه جنگ و خونریزی و خرابی مصروف دارند بکارهای سودمند و لازم بپردازند. همه میدانند که قسمت مهمی از مردم این کشورها با فقر و تهیدستی و جهل و بیسوادی و نادانی و امراض گوناگون و فقدان وسایل لازم رفاه و عاقبت و پیشرفت و ترقی و تمدن دست بگریبان هستند و احتیاج مبرم بچیزهایی دارند که برای بدست آوردن و ایجاد آن بهتر است و هزار بار بهتر است که سرمایه و وقت و نیرو و انرژیهای که بصرف جنگ و خصومت میرسد در آن راه بمصرف برسد.

ژاپن در جنگ جهانگیر سخت مغلوب گردید و دشمن مقتدری بر او حاکم گردید و دولت و ملت ژاپن بموجب عهدنامه و قرارداد های رسمی مجبور گردیدند بر حسب دستور و تعلیمات و دلخواه دشمن غالب رفتار و زندگی نمایند. با اینهمه چون عقل و همت و پشت کار و درایت و وطن دوستی را دلیل راه خود ساخته بودند امروز بموجب مندرجات روزنامه های فرنگستان (۱) پس از امریکا و روسیه سومین کشور صنعتی دنیا شده است و محصول ملی آن در سال ۱۹۶۹ بالغ بر ۲۰۰ (دویست) میلیارد دلار گردیده بوده است. و در نقشه اقتصادی آنها پیش بینی شده است که این مبلغ را در ظرف ده سال آینده سه برابر سازند یعنی به ۶۰۰ میلیارد دلار برسانند.

کشور سوئیس هم کشور کوچکی است که در وسط اروپا واقع گردیده و راه بدری ندارد و چون خاکش جنگلی و کوهستانی است زمین قابل زراعت کم دارد، و همچنین تقریباً هیچ معدن و ثروت تحت الارضی ندارد، و قسمت مهم ارزاق و خوراک مردمش را باید از خارج وارد سازد و با اینهمه چنانکه همین ایام در روزنامه های آن کشور نوشتند در سال اخیر ۱۹۶۹ سرمایه و ثروتش در خارج یعنی در معالک دیگر بالغ بوده است بر ۱۳۱۷ (صد و سی و یک میلیارد و هفتصد میلیون) میلیارد فرانک سوئیس و این ثروت روز بروز هم زیادتر میشود. کار محصولات صنعتی کشور سوئیس بجائی رسیده است که برای جواب دادن بسفارشائی که از خارج میرسد مجبور شده اند متجاوز از هفتصد هزار کارگر از خارج [بیشتر از ایتالیا و اسپانیا] بیاورند و اکنون مدتی است که با اسم «داغی» (۲) میاندیشند که کمتر سفارش قبول کنند یعنی در واقع جلو محصولات صناعتی خود و صادرات آنرا بگیرند.

ما ایرانیان که طرفدار صلح و انصافیم باید از خدا بخواهیم که کشورهای عربی و اسرائیل هر چه زودتر برای صلح و مسالمت راه عاقلانه ای بیابند و بحکم عقل سلیم که عبارت دیگر همان «رئالیسم» فرنگیهاست عمل نمایند، و در راهی بیفتند که مملکت کوچک ژاپن در شرق اقصای آسیا و کشور کوچک سوئیس در قلب اروپا اختیار کرده اند تا فراهم ساختن اسباب و وسایل رفاه و ترقی و تمدن و سعادت مندی ملت هایشان برای آنها مقدور باشد.

بدیهی است که مسئله مهاجرین فلسطینی مسئله بس بفرنجی است ولی حائمی که حسن نیت و عقل و خردمندی در میان باشد بسیاری از مشکلات آسان میگردد و آیا نمیتوان قبول نمود که برای این مهاجرین بینوا که سالیان دراز است با کمک سهمیه های مالی از مالک دنیا که بوسیله مؤسسه و کمیته بین المللی پناهندگان که مرکزش در همین شهر ژنو است و در سالهای گذشته نخست وزیر ما آقای امیرعباس هویدا عضو عالی مقام آن بود زندگی میکند راه حلی پیدا نمود که دنیا پسند باشد و زندگی و رفاه مادی و معنوی آنها را تأمین نماید.

سید محمدعلی جمالزاده

شاید اگر عمر باقیماند و توفیق یار باشد این کتاب را که موضوع این مقاله است بدست بیاورم و بخوانم و قسمتهای سودمندی از آنرا بترجمه رسانیده تقدیم دارم که ان شاء الله در «نیما» بچاپ رسد و هموطنان ما بخوانند و خواه بآب طبعشان باشد یا نباشد تأمل بیشتری در این مبحث مهم نمایند.